



بهترین شعر از نظر استاد شهریار / شرح شورانگیز شهریار در وصف قنوت مقام معظم رهبری

استاد شهریار در تعریف شعر و شعر شاهکار مردم می‌گوید: حقیقت شعر، حرفی است که از دل بر بیاید و در دل بنشیند من در این دوره انقلاب، از این شعر، شاهکارتر ندیدم که، این جمعیت یک‌دفعه فریاد می‌زنند: خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما.

استاد شهریار در تعریف شعر و شعر شاهکار مردم می‌گوید: حقیقت شعر، حرفی است که از دل بر بیاید و در دل بنشیند من در این دوره انقلاب، از این شعر، شاهکارتر ندیدم که، این جمعیت یک‌دفعه فریاد می‌زنند: خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما.

استاد محمدحسین شهریار از جمله مشاهیر و مفاخر ارزشمند فرهنگ ادب ایران اسلامی است که در جایگاه برترین‌های شعر و ادب گهریار ایران جای دارد، بی‌تردید وی در قرن اخیر آئینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت اصیل ایرانی است. استاد شهریار که برخاسته از خاک پاک آذربایجان است از منظرهای گوناگون نماد و سمبل هویت اصیل ایرانی مردم این خطه است. آذربایجان که همواره مدافع هویت و اصالت ایرانی و ایرانیان بوده است بزرگان و فرزندان آن پرچمدار این جبهه دفاع بوده‌اند. استاد شهریار در شعر و ادب معاصر آذربایجان از جمله این فرزندان است که با شعر و ادب به مصاف نبرد با بیگانگان و بیگانه‌گرایان آمد. مهم‌ترین ویژگی و امتیاز شهریار نسبت به سایر شعرای بزرگ در این است که اشعارش مورد توجه خاص و عام بود. از کودکان روستایی که حیدر بابا را زمزمه می‌کنند تا فرهیختگان که در دقایق و لطایف اشعار وی به تفحص می‌پردازند، مسحور زیبایی و لطافت کلام شهریار هستند. *** مهارت و تسلط شهریار بر ادب و فرهنگ دو زبان ترکی و فارسی، به اتفاق نظر غالب سخن‌سنان امتیازی منحصر به اوست.** با این حال زمانی که در سال 1381 سالروز وفاتش را به نام روز ملی شعر و ادب ایران نامگذاری کردند اکثر روزنامه‌ها و نشریات، با درج مقالاتی سعی در تخریب شخصیت جهانی شهریار داشتند و معتقد بودند که مناسبت روز ملی شعر و ادب ایران باید از میان شاعران فارسی زبان دیگری همچون فردوسی، حافظ، سعدی و... انتخاب شود. این گروه از ادبا و صاحب‌نظران (!) در توجیه ادعاهایشان، اشعار شهریار را از لحاظ سبک شعری و محتوای شعری غیرقابل مقایسه با اشعار این شاعران پارسی‌گوی می‌دانستند ولی غافل از این بودند که مهم‌ترین عامل ماندگاری شعر شهریار جامعیت و تنوع شعر او است. شعر شهریار مخصوصاً غزلیاتش به خاطر تنوع موضوع و طرح مسائلی که در گذشته معمولاً در قالب‌های دیگر شعر فارسی از جمله قصیده و قطعه و مثنوی مورد توجه واقع می‌شد. درخور بررسی و تحلیل است. شهریار نه تنها در شیوه کلاسیک و موسوم ادب فارسی حق سخنوری را ادا کرده، بلکه در اسلوب شعر فارسی نیز اعجازی اعجاب انگیز نشان داده است. جهان‌بینی فلسفی، نگرش اجتماعی، جلوه‌های عاطفی، ذوقی و هنری اسلوب متین و استوار شاعری درعین حال لطافت و ظرافت خاص او در آثاری چون: هذیان دل، ای وای مادرم، نقاش، پیام اشتنین و... منتقدان شعر فارسی را دچار حیرت و سرگشتگی کرده است و به یقین بعضی از این آثار در صورت شرح و بسط، تبدیل به گنجینه‌ای جاودانه می‌شود. جامعیت و تنوع در شعر شهریار و نیز انسانیت شهریار، وی را به شاعری مردمی و محبوب تبدیل کرد و نامگذاری سالروز وفاتش به روز ملی شعر و ادب شاید کوچک‌ترین کار در حق این شاعر متعهد و مردی است. شهریار شاعری عاشق بود که شعر او جلوه‌ای از پاکی وجود و تبلور حقیقی احساس بود. با آن دلی که غزال چابک دشت‌های غزل بود، می‌خامید و چشم زیبا دوست «شاعری» را به خود وا می‌داشت. آنجا که در دامن دل‌انگیز «حیدر بابا» طنین می‌افکند، دل هر عاشق وارسته‌ای به آن سو می‌شتافت. او در سیر پر دامنه خویش، در سلوک عاشقی تا بدان جا پیش رفت که سزاوار دریافت خرقة از دستان مرشد طریقت گشت؛ اما فروتنی و خاکسارشی‌اش او را به عالم شاعری فرا خواند. روح پر تلاطم و پر تکاپوی نغز پرور او را می‌ستاییم. استاد سید محمدحسین بهجت تبریزی، شاعر پرآوازه معاصر ایران است که در شعر خود به «شهریار» تخلص می‌کرده و با چیرگی تمام به زبان‌های «فارسی» و «ترکی» شعر می‌سروده است. نفوذ معنوی کلام شیرین این شاعر از یک سو در همه جای سرزمین پهناور ایران بر سراج دل کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان نشسته و هر ایرانی غزلی، قطعه‌ای و یا لاقال بیتی از «شهریار» بر لوح خاطر خویش سپرده است و از سوی دیگر آوازه شهرت این عاشق دلسوخته از فراسوی مرزهای ایران به سرزمین‌های دیگر و به ویژه کشورهای ترک زبان رسیده و سخنان دلنشینش روشنی‌بخش دل شیفتگان گشته و هر ترک زبانی که منظومه «حیدربابی» او را شنیده منقلب گشته و بر روح لطیف و دل با صفا و هنری همتای او آفرین گفته است. استاد محمدحسین شهریار را به سبب غنا و استحکام شعری، تنوع آفرینش‌های هنری و از همه مهم‌تر جاذبه، نفاذ و رواج کلام می‌توان یکی از بزرگ‌ترین شاعران قرن حاضر ایران دانست. در قلمروی نقد ادبی ایران از دیرباز سخن سنجان نکته‌پرداز همه از یک دل و یک زبان، لب به تحسین شهریار گشوده‌اند. ملک الشعرای بهار با عنایت به اشعار شهریار درباره شخصیت او می‌گوید: «شهریار نه تنها افتخار ایران است بلکه افتخار مشرق زمین به شمار می‌رود.» شهریار با منظومه ماندگار حیدربابا که با شاه بیت «حیدربابا ایلدیریملار شاخانداندا ستل لر سولار شاقیلیدیپ آخانداندا» آغاز می‌شود؛ شهرت جهانی پیدا کرد، به طوری که در حال حاضر این اثر مهم ادبی ترکی آذربایجانی به بیش از 90 زبان در جهان ترجمه شده است. حیدربابا ایلدیریملار شاخانداندا ستلر، سولار شاقیلیدیپ آخانداندا ستلر اونا صف باغلائیپ باخانداندا سلام اولسون شوکتیزه ائلیزهمنیم ده بیر آدیم کلسین دلیلیزها این وجود، 27 شهریور ماه به مناسبت سالروز درگذشت استاد محمدحسین بهجت تبریز، متخلص به شهریار به عنوان روز شعر و ادب فارسی در تقویم ایران ثبت شده است، که به بهانه همین روز برنامه‌های مختلفی در سطح کشورمان و به ویژه در شهر تبریز و خشک‌ناب، زادگاه شهریار برگزار می‌شود. بدین وصف، امسال نیز در آستانه روز شعر و ادب فارسی در شهر اولین‌ها، کنگره بین‌المللی بزرگداشت استاد شهریار با محوریت فرهنگ دینی و انقلابی، جشنواره بین‌المللی نشان فرهنگی شهریار، رونمایی از آلبوم موسیقی استاد شهریار و ... برگزار می‌شود. *** سکانسی که شهریار را جهانی کرد** به هر حال، شهریار اولین دفتر شعر خود را در سال 1310 شمسی با مقدمه ملک‌الشعرا بهار، سعید نفیسی و پژمان بختیاری منتشر کرد و بدینسان این شاعر معروف و معاصر پرآوازه کشورمان، منظومه «حیدر بابایه سلام» را در سال‌های 1329 تا 1332 سرود، تا اینکه امروزه از این اثر به عنوان یکی از شاهکارهای ادبی جهان یاد می‌شود. آنچه در این مورد مهم به نظر می‌رسد اینکه: این منظومه ماندگار شهریار، تقریباً در تمام کشورهای ترک زبان از ترکیه تا قفقاز منتشر و در اختیار علاقمندان شعر و ادبیات جهان قرار گرفته، و در برخی از کشورهای ترک زبان این منظومه‌اش چندین بار چاپ شده است. از سوی دیگر، بنا به خبری اثر منظوم و زیبای حیدر بابا، «در اکثر دانشگاه‌های جهان از جمله دانشگاه کلمبیا در ایالات متحده امریکا مورد بحث رساله دکترا قرار گرفته و برخی از موسیقیدانان همانند هازدک آهنگساز معروف ارمنستان آهنگ جالبی برای آن ساخته است.» *** تماشای زندگی از چشم شهریار** البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت و آن اینکه، این اثر در 125 بند، با 625 مصراع نوشته شده است، از این حیث می‌گویند، «حیدربابایه سلام» سند زنده تاریخ یک روستا است که شهریار در آن با قلبی پاک و نیتی صادق، با ساده‌ترین شکل و در عین حال ادبی‌ترین حالت از خویشان و آشنایان و مردم زادگاه خود و حتی چشمه‌ها و زمین‌ها و صخره‌های اطراف خشک‌ناب نام می‌برد و هر یک را در شعر خود جاودانگی می‌بخشد. حیدربابا، کله‌یک لرون اوچانداکول دیبیتن دوشان قالموب، قاچاندا باخچالارون چیچکلنوب، آچاندا بیزدن ده بیر مومکون اولسا یاد ائله‌چایلیان اوزکلری شاد ائله‌به سخن دیگر، شهریار در این اثر از دوران کودکی خود در خشک‌ناب، که در پای کوهی به نام «حیدربابا» قرار دارد، یاد می‌کند. او کوه کوچک حیدربابا را مورد خطاب قرار داده و توصیف گیرائی از طبیعت و مردمان آن سامان به دست می‌دهد و گاه احساس خود از اوضاع گذشته و حال را با زبان ساده و بی‌تکلف و نزدیک به زبان عامه مردم بیان می‌کند. ناگفته نماند، به نقلی می‌گویند؟ شهریار نخستین شعر خود را در چهار سالگی به زبان مادری‌اش سروده که گفته: (رویه باجی - باشمیین تاجی- اتی آت ایته - منه وئر کته). *** دفتر خاطرات شعر شهریار** در واقع، شعر شهریار، زبان دل است. یعنی اکثریت آثارش بازتابی از حیات و به ویژه بیان خاطرات تلخ و شیرین شاعر است که با آن زندگی کرده است. این نکته را نیز نباید از خاطر دور داشت، که حیدربابا آیین تمام نمای زندگی است، که برای بیان احساسات به شکل ساده و روان سروده شده است. نکته دیگر در این مورد اینکه، شهریار سرودن حیدربابا را به حکایتی مدیون مادرش «کوکب خانم» است. در هر حال به عقیده کارشناسان حوزه ادب و هنر، «این اثر یکی از بهترین و ماندگارترین اشعار جهان است که خاطرات دوران کودکی شاعر را در روستا با همان صفای روستایی باز می‌گوید به گونه‌ای که به تصدیق صاحب‌نظران، هیچ شاعری در هیچ زبان و زمانی، خاطرات عهد خردسالی خود را بدین روشنی و زیبایی و شیوایی به سلک نظم نکشیده است.» این کارشناسان بر این باور هستند، درسته که شهریار در این شعر خطابش به کوهی به نام حیدرباباست، ولی نگاه، درود و سلامش

متوجه انسان و انسانیت است که به زبان صمیمی، ساده، رسا و گیرای روستاهای آذربایجان سروده شده است. نا گفته نماند، در منظومه بلند استاد شهریار همه تصویر از زندگی در روستا از جمله «تصاویر روشن و گویا از کانون گرم خانواده، زندگی بی‌پیرایه، روحیه میهمان نوازی، همدردی، مراسم و آیین‌های عروسی، عزا، چاووشی خوانی زائرین کربلا، فاصله طبقاتی، زبان حال ستمدیدگان، فریادهای انسان‌های رنج‌دیده و تصاویری زیبا از کوه‌ها، دشت‌ها، رودها و زیبایی‌های روستا»، به بهترین شکل در منظومه حیدربابا به نمایش گذاشته می‌شود. بایرام بیللی چارداخلاری بیخاندان‌نوروز گوللی، قارچیچی، چیخاندآغ بولوتلار کوئینکلرین سیخاندابیزدن ده بیر یاد ائلییه ن ساغ اولسوندرلریمیز قوی دیکلسین، داغ اولسون***حیدربابا، گون دالووی داغلاسلین!اؤزون گولسون، بولاخلارون آغلاسلین!اوشاخلارون بیر دسته گول باغلاسلین!یئل گلنده، وئر گنیرسین بویانانلکه منیم یاتمیش بختیم اویانا* **راز عظمت شهریار چیست؟**بنابراین، راز عظمت شهریار چیست؟ برای یافتن جواب این پرسش کافی است، شهریار را در اشعار دیگر شاعران و از وصف نزدیکان وی سنجید. دکتر مهدی روشن ضمیر، دوست نزدیک استاد شهریار، در مقدمه‌ای که به کتاب حیدربابای شهریار نوشته، بر این باور است: «اگر باغبان هنر نبود احساسات لطیف می‌پژمرد و اگر احساسات لطیف نبود آدمی از ببر و پلنگ مخوف‌تر و خون‌خوارتر می‌گردید. آقای شهریار به نظر من فرقی که بین ما مردم معمولی و شما هنرمندان هست این است که در سینمای زندگی آنچه را که ما می‌بینیم و یا نمی‌بینیم شما می‌توانید بگوئید و شرح دهید و آنچه را که ما به یک آن حس می‌کنیم شما آن را سردمی و جاودان می‌سازید... اگر شهریار نبود کسی حیدربابا را نمی‌شناخت. مثل این است که با عینک نازک‌بین شما هنرمندان دنیا را بهتر و روشن‌تر می‌بینیم و همه چیز و همه کس را دوست داشتنی می‌یابیم». **نیمای یوشیج نیز در این ارتباط معتقد است:** رازی است که آن نگار می‌داند چیست رنجی است که روزگار می‌داند چیست آنی که چو غنچه در گلو خونم از اوستمن دانم و شهریار می‌داند چیست مهدی اخوان ثالث **هم می‌گوید:** شهریارا تو همان دلبر و دلداز عزیزبازنیزنا، تو همان پاک‌ترین پرتو جامیای برای تو بمیرم، که تو نب‌کرده عشقیای بلای تو بجانم، که تو جانی و جهانیمهرداد اوستا هم سنگ تمام می‌گذارد **و در این راستا بر این باور است:** شعر همان عشق که با شهریارکرد سرافرازی و نام‌آوریشعر همان فتنه و آذرم و رازکز نگه دوست کند دلبری* **شهریار چشم و چراغ ایران‌بهرترین** وصف و سخن را می‌توان از فریدون مشیری داشت که می‌گوید: در نیمه‌های قرن بشرسوزناشک مجسمی بود، در چشم روزگارانمایه محبت و رفتاری وای شهریاربه همین اعتبار، از جمله مهم‌ترین و برجسته‌ترین اتفاقات زندگی این شاعر بزرگ کشورمان می‌توان به دیدار وی با رهبر معظم انقلاب اسلامی در سفر به تبریز و در دوره ریاست جمهوری ایشان اشاره کرد. علی‌اصغر فردی از شاگردان شهریار، خاطراتی از مراودات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و استاد شهریار را به رشته تحریر درآورده است. وی درباره همان شب دیدار شهریار با رهبری می‌نویسد: «آن شب استاد شهریار بارها اشاره به دست مجروح آقا داشتند و روز بعد که مشرف شدم، شعری را پیش رویم نهادند که در آن این بیت‌ها بود: شهید زنده‌ی ما خود رئیس جمهوری‌ستکه چون وصی رسولش بود جمال غدیرنگاه داشت به یک دست پرچم اسلامکه خون بهای ابوالفضل می‌زند شمشیره قد اوست قبا‌ی ریاست جمهورکه خلعتی است الهی و نیستش تغییر». **همچنین استاد شهریار در وصف قنوت نماز رهبر معظم انقلاب می‌گوید:** در رکوع و سجود خامنه‌ایمن هم از دور سرنگون دلمخاصه وقت قنوت او کز غیب‌دستاها می‌شود ستون دلماو به یک دست و من هزاران دستبا وی افشانم از بطون دلمعرشیان می‌کشند صف به نماز از درون دل و برون دلممن برون‌ی نیم، خدا داندکاین صلا خیزد از درون دلم* **خمینی بت‌شکن در قلاب شهریار**ارادت استاد شهریار به امام خمینی(ره)، یا به تعبیر وی «رهبر کبیر» و «خمینی بت‌شکن» جای بسی تامل دارد: آبی که خاک کشور ما در میان گرفتخاکش جواهری است که در پرنیان گرفتنبشان غبار فتنه که این نوبهار عشقچون ابر انقلاب به سر سایبان گرفتجان بخش بود باد بهارش به کوه و دشتدر جا گذشت سبزه بجنید و جان گرفت ...سیمرغ دین به کوری اسفندیار کفرپوردر رستمی که کمین و کمان گرفتخوادم شدن بنعره، به خاک حکیم طوسکان ژنده پیل زنده شد و هفت خوان گرفتاین «رهبر کبیر»، «خمینی بت‌شکن» خط امان خود از «امام زمان» گرفتسر پنجه «ولی» است کزبن آستان برونپنج گلولی فتنه آخر زمان گرفت ...به هر حال آنچه در این زمینه مهم به نظر می‌رسد، اینکه شهریار در سرودن انواع گونه‌های شعر فارسی، مانند «قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و شعر نیمایی» هم تبحر بسیاری داشته که از جمله غزل‌های معروف این استاد می‌توان به «علی ای همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» اشاره کرد. شهریار همچنین همواره عشق و ارادت خاصی به اهل بیت علیهم السلام و به ویژه علی بن ابی‌طالب(ع) داشت. «علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما رادل اگر خداشناسی همه در رخ علی بینه‌ی علی شناختن من به خدا قسم خدا را». **اینجا آسمان به زمین نزدیک است**همچنین شهریار جانشین‌ترین اشعار خود را تقدیم حضرت سید الشهداء علیه‌السلام و حماسه ابدی او کرده است: «شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین روی دل با کاروان کربلا دارد حسین/ از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست/ مروه پشت سرنهاد اما صفا دارد حسین...». در وصف مقام و فضایل شهریار فقط می‌توان گفت: «شهریارا تو به شمشیر قلم در همه آفاق/ به خدا ملک دلی نیست که تسخیر نکردی». * **شهریار به سبک دیروز و امروز**شهریار در سال 1285 خورشیدی در شهر تبریز متولد شد. شهریار دوران کودکی را در روستای مادری، «قیش قورشاق» و روستای پدری «خشک‌تاب» در بخش «قره‌چمن» آذربایجان ایران سپری کرد. پدرش حاج میرآقا خشک‌تابی نام داشت که در تبریز وکیل بود. شهریار پس از پایان سیکل (راهنمایی) در تبریز، در سال 1300 برای ادامه تحصیل از تبریز عازم تهران شد و در مدرسه دارالفنون تا سال 1303 و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. این شاعر معاصر کشورمان به سال 1315 در بانک کشاورزی، استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. در تیر 1331، مادرش در گذشت. در مرداد 1332 در تبریز با یکی از بستگان خود به‌نام «عزیزه عبدخالقی» ازدواج کرد که حاصل این ازدواج سه فرزند و دو دختر به نام‌های شهرزاد و مریم و یک پسر به نام هادی می‌شود. شهریار پس از انقلاب 1357 شعرهایی در مدح نظام جمهوری اسلامی ایران سرود. وی در روزهای آخر عمر به دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد و پس از فوت در 27 شهریور 1367 پس از حدود هشتاد سال عمر به سرای جاودان شتافت و بنا به وصیت خود در مقبره‌الشعراى تبریز به خاک سپرده شد. * **پشت هر غزلی، زندگی است**البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت و آن اینکه، به حق استاد شهریار شاعری بوده که غزل‌هایش را صرفاً نسروده بود، بلکه آنها را زندگی کرده بود. بدینسان با این وصف، با مطالعه آثار و سبک زندگی شهریار می‌توان به عینه مشاهده کرد که وی سنگ صبور انسان‌های مظلوم و آزاده بوده و به نوعی اشعار او تجلی دردهای بشری است که امروزه شهرت بزرگ‌ترین شاعران متعهد ایران اسلامی مرزهای داخلی کشورمان ایران را در نوردیده و اکنون در اغلب کشورهای دنیا شخصیتی شناخته شده است به طوری که در اکثر دانشگاه‌های جهان، اندیشه‌ها و آثار وی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. و در نهایت اینکه مضمون شعرهایش با فرهنگ، آیین، ادب، عقاید و ارزش‌های مردم عجین شده بود و با تمام وجود شعر خود را در راه ترویج فرهنگ اهل بیت و حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های اصیل اسلامی به کار می‌گرفت و اگر غیر از این بود، هرگز محبوب دل توده‌های مردم حتی در دور دست‌ترین نقاط کشور واقع نمی‌شد. -----نگارنده: موسی کاظم‌زاده